

فارن پالیسی: دیپلماسی امریکا برای آتش بس در غزه نمایشی محکوم به شکست بود

دست‌های بایدن بسته است؟



عکس: Reuters

جنگ نبودند، ایالات متحده نمی‌توانست کاری برای برقراری صلح انجام دهد. برخی از مقامات دولت بایدن با گفتن این جمله که «ما نمی‌توانیم بیشتر از این آنها را به آتش بس بیاوریم»، از مسئولیت این کار شانه خالی می‌کردند.

اما این تصور که ایالات متحده تلاش کرد و نتوانست صلح برقرار کند، اشتباه است. واقعیت‌ها نشان می‌دهد که دولت بایدن هرگز تلاش جدی برای تضمین آتش بس واقعی و پایدار در غزه انجام نداد.

در روز اول، دولت متعهد شد که برای تغییر هدف اعلام شده تل‌آویو-که بایدن از آن حمایت می‌کرد-یعنی «ریشه کن کردن» و «نابودی» حماس، فشار معنی داری براسرائیل وارد نکند؛ این هدفی است که حتی سخنگوی ارتش اسرائیل هم پذیرفت غیرممکن است. پس از یک سال جنگ با یکی از ارتش‌های مجهز جهان، حماس همچنان بخش‌هایی از غزه را تحت کنترل دارد. همان‌طور که تحلیل اخیر «مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» نشان داد، اسرائیل با «درگیری چریکی طولانی‌مدت» روبه‌روست که بعید به نظر می‌رسد شکست حماس را به همراه داشته باشد. با هدفی که هرگز نمی‌توان به آن دست یافت، جنگ بی‌پایان اجتناب‌ناپذیر بود. از آنجا که بایدن استفاده از اهرم فشار مؤثر برای وادار کردن اسرائیل به اتخاذ یک هدف واقع‌بینانه را رد کرده بود، مذاکرات دیپلماتیک اساساً کاری نبود که از همان ابتدا محکوم به شکست بود.

البته برخی مقامات ایالات متحده اکنون به این موضوع اقرار می‌کنند. هریسون مان، افسر سابق اطلاعاتی که به دلیل حمایت امریکا از اسرائیل از آژانس اطلاعات دفاعی استعفا داد، گفته است که واشنگتن دیپلماسی را تنها «به

گزارش

امیر فرشایف

خبرنگار

تا همین اواخر، دولت بایدن علناً اصرار داشت که از دیپلماسی قوی برای پایان دادن به جنگ اسرائیل در غزه استفاده می‌کند. این جنگ، غزه را غیرقابل زیستن کرده و احتمالاً بیش از ۱۰۰ هزار کشته بر جای گذاشته است. کارکنان مراقبت‌های بهداشتی و امدادی بسیار زیادی کشته شده‌اند و غزه به عنوان خطرناک‌ترین مکان روی زمین برای کودکان تعیین شده است. هر هفته گزارش‌های جدیدی از قتل‌عام‌ها در غزه منتشر می‌شود، زیر یکی از مجهزترین ارتش‌های جهان، باره‌که پرتراکمی که جمعیتی فقیر، گرسنه، آسیب‌دیده و گرفتار را در خود جای داده است، می‌کوبد. در تابستان، جو بایدن رئیس‌جمهور ایالات متحده، مکرراً تضمین‌های کلی می‌داد که توافقی بین اسرائیل و حماس نزدیک به دستیابی است؛ توافقی که قرار بود آزادی و پنهان اسرائیلی باقی‌مانده در غزه را تضمین و آتش بس پایدار ایجاد کند، اما این توافقی هرگز اتفاق نیفتاد و دولت هم دیگر فعالتی تلاش نمی‌کند تا آتش بس را تضمین کند.

موافقت با اهداف اسرائیل، مانع صلح بود

یکی از تفسیرهای احتمالی این است که به‌رغم تلاش‌های دولت بایدن، مواضع اسرائیل و حماس بسیار از هم فاصله داشتند؛ این توضیحی است که توسط کاخ سفید ارائه شد که مدعی است چون اسرائیل و حماس خواهان پایان

گزارش

ایران و تروئیکای اروپایی در حالی روز جمعه در شهر ژنو روبه‌روی یکدیگر می‌نشینند که این همنشینی می‌تواند مقدمه کاهش بحرانی باشد که از تابستان ۱۴۰۱ تهران و پایتخت‌های اروپایی را به اعماق خود فرو برد و کار را به جایی رساند که امروز اروپایی‌ها را تا آستانه اتخاذ تصمیم‌های مهم و خروج از لاک بستنی و محافظه کاری تاریخی شان کشانده است؛ سخن از تب و تاب داغ تصمیمی مجادله‌آمیز است که در لابی‌های پیدا و پنهان محافل اروپایی درباره پیشگامی این کشورها برای نشاندن نام سپاه پاسداران ایران در فهرست گروه‌های تروریستی زمزمه می‌شود؛ تصمیمی که مقدمان آن به بهانه ادعای پروژه شریک‌سازی ایران در جنگ اوکراین کلید خورده است و چنانچه رنگ واقعیت به خود بگیرد می‌تواند به امیدها درباره تجدید رابطه سازنده ایران و اروپا پایان دهد. با این مقدمه می‌توان به اهمیت برپا کردن میز مذاکره با دستور کاری فوری‌تر از پرونده پرفراز و فرود هسته‌ای میان ایران و غرب پی برد.

از روزی که سازمان پیمان آتلانتیک شمالی حساسیت خود را نسبت به همکاری نظامی و پهپادی ایران و روسیه برملا کرد و این نگرانی ادعایی را در مواضع و ادبیات بیانیه‌های اجلاس سران این سازمان از سال ۲۰۲۳ به منصفه ظهور رساند، نام ایران به‌طور متوالی در صدر همه اولویت‌های اعلامی ناتو تکرار شد تا توجهات جهانی معطوف تحکرات ایران در بطن همکاری‌های نظامی‌اش با مسکو شود. چه در ادبیات ناتو، اوکراین آخرین حلقه «امنیت یورو آتلانتیک» به شمار می‌رفت و هر اقدام مغایر امنیت آن، عبور از خط قرمزهای امنیتی این حوزه بود. این چنین بود که سایه سنگین جنگ اوکراین برمناسبات تهران و اروپا بویژه در رابطه با آلمان، فرانسه و انگلیس به عنوان اعضای توافقی هسته‌ای سایه انداخت و روند آن را که پیشتر به بهانه حمایت این کشورها از ناآرامی‌های شهر یورو ۱۴۰۱ در دست‌انداز قرار داده بود، در سرششیمی پرشتاب‌تری نشاناد.

نسخه نویسی درباره «اوکراین»

بنابراین نسخه نویسی‌های قابل ملاحظه در بحران اوکراین که بی‌شباهت به نسخه ایران هراسی در سال‌های اخیر نبود، مسیر حل و فصل فرسایشی احیای برجام را هم بی‌تأثیر نگذاشت. با وجود رد

سطحی‌ترین معنا» یعنی برگ‌زاری «تعداد زیادی جلسات» انجام داد، اما هیچ تلاش منطقی‌ای برای تغییر رفتار اسرائیل انجام نداد.

کاخ سفید: صحبت از آتش بس ممنوع!

در ابتدا، ایالات متحده حتی ادعا نکرد که در تلاش برای دستیابی به آتش بس در غزه است. در اوایل جنگ، حتی زمانی که به‌سرعت مشخص شد پاسخ اسرائیل به حملات ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ بسیار نامتناسب بوده و باعث تلفات گسترده غیرنظامیان شده است، بایدن درخواست‌های بین‌المللی برای تلاش بیشتر برای آتش بس را رد کرد. وزارت خارجه امریکا کارکنانش را از استفاده از عباراتی مانند «کاهش تنش/ آتش بس»، «پایان دادن به خشونت/ خونریزی» و «بازگرداندن آرامش» منع کرد.

ماه بعد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اکثریت قاطع به آتش بس رأی داد و تنها ایالات متحده، اسرائیل و چند کشور کوچک‌تر با آن مخالفت کردند. تقریباً در همان زمان، بایدن گفت که وقتی با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل صحبت می‌کرد، «خواهان آتش بس نبود». در عوض، دولت بایدن برای توقف موقت درگیری‌ها -به مدت حدوداً چهار ساعت- فشار آورد و از حق اسرائیل برای پیگیری هدفش به منظور ریشه‌کن کردن حماس محافظت کرد. «نابودی حماس» هدف اعلامی اسرائیل است، اگرچه تحلیلگران معتبر عقیده دارند که هدف نهایی دولت با اسرائیل، باکسازی قومی و اسکان مجدد شهروک نشینان حداقل در بخشی از غزه است و هدفی که بسیاری از وزرای نتانیاهو به‌صراحت درباره آن صحبت کرده اند.

موانع اصلی آتش بس

در سال جاری، دولت بایدن بارها به مردم گفته است اکنون از آتش بس حمایت می‌کند، اما اسرائیل همچنان تصریح کرده است که هیچ علاقه‌ای به پایان دادن به جنگ قبل از ریشه‌کن کردن حماس ندارد. در واقع، به‌رغم ادعاهایی مبنی بر اینکه «حماس و اسرائیل نمی‌خواهند شاهد پایان جنگ باشند»، یکی از مشکلات اصلی مذاکرات امسال، درخواست حماس برای پایان دائمی جنگ و خروج کامل اسرائیل از غزه بود. نتانیاهو در ماه آوریل گفت: «این ایده که ما جنگ را قبل از دستیابی به همه اهداف آن متوقف خواهیم کرد، قابل بحث نیست.» همان‌طور که نیویورک تایمز در مساه مه گزارش داد، «موانع اصلی در مذاکرات، مدت زمان آتش بس بوده» و نتانیاهو علاقه به «توقف موقت» درگیری‌ها را ابزار کرد.

وزارت خارجه ایالات متحده اکنون اساساً پذیرفته که مانور دیپلماتیک این کشور یک تظاهر بوده است. متیو میلر، سخنگوی وزارت خارجه امریکا در ماه سپتامبر اعتراف کرد: «ما هرگز نمی‌خواستیم یک راه‌حل دیپلماتیک با حماس درنظر بگیریم... ما همیشه متعهد به نابودی حماس بوده‌ایم.» در همین حال، پالیتیکو گزارش داد: مقامات ارشد بایدن به‌طور خصوصی به اسرائیل گفته‌اند که ایالات متحده از گسترش جنگ اسرائیل به لبنان حمایت می‌کند، حتی در وضعیتی که دولت علناً اعلام کرده طرفدار مذاکره به جای خشونت است. واشنگتن نه‌تنها مایل نبوده است که کمک‌های تسلیحاتی را به‌طور معناداری تعلیق کند، بلکه تا آنجا پیش رفته که کنگره را در مورد اقدامات اسرائیل گمراه کرده است تا جریان ارسال تسلیحات را برخلاف قوانین ایالات متحده حفظ کند. اگر بایدن در مورد صلح جدی بود، یک گام اساسی، اجرای دقیق قوانین موجود ایالات متحده که مانع از انتقال سلاح به کشورهای ناقض حقوق بشر می‌شود، بود.

تاثرت دیپلماسی برای اقتناع افکار عمومی

پس چرا وارد نمایش دیپلماسی می‌شویم؟ اگر موضع دولت بایدن این است که اسرائیل حق دارد به جنگ ادامه دهد تا زمانی که به اهداف اعلامی خود برسد، تقاضا به اینکه برای پایان درگیری، راه‌حل دیپلماتیک می‌تواند وجود داشته باشد، چه فایده‌ای دارد؟

پاسخ، افکار عمومی است. تعداد بسیار کمی از دموکرات‌ها رفتار اسرائیل در غزه را تأیید می‌کنند و اکثریت امریکایی‌هایی که به بایدن رای داده‌اند از ایالات متحده می‌خواهند که انتقال سلاح به اسرائیل را متوقف کند، بایدن می‌داند سیاستی که جنگ گسترده را ایجاد می‌کند، نامحبوب است و واکنش‌های بیشتری را به دنبال خواهد داشت. بنابراین او امیدوار است با ادامه انتقال تسلیحات نامحدود و در عین حال که ظاهراً در حال مذاکره برای یک توافق صلح است، هم دموکرات‌های طرفدار اسرائیل و هم منتقدان جنگ را راضی کند. نمایش دیپلماسی تلاشی برای متقاعد کردن مردم به این است که داستان بایدن بسته است، در حالی که او مایل به پایان جنگ است، به‌سادگی نمی‌تواند این کار را انجام دهد.

این روایت موفق بوده است؛ بسیاری از افراد مطلع، ادعای دولت بایدن مبنی بر تلاش برای ایجاد صلح را پذیرفته‌اند. در کنوانسیون ملی دموکرات‌ها، الکساندرا اویاسیو کورتز-که آنچه را در غزه اتفاق می‌افتد پس‌لگشی خواند-گفت، کاملاً هریس معاصون رئیس‌جمهور «به‌طور خستگی‌ناپذیر تلاش می‌کند تا آتش بس در غزه را تضمین کند.» بسیاری از گفتمان‌های رسانه‌ای نشان داده‌اند که شکست بایدن «محدودیت‌های قدرت امریکا» را بازنمایی می‌کند، در حالی که در واقع این گونه نیست. می‌توان کرد که چرا دولت بایدن می‌خواهد تلاش‌های دیپلماتیک خود را به نمایش بگذارد؛ حمایت از ادامه نامعلوم جنگی که فقط می‌تواند منجر به مرگ و ویرانی بیشتر شود، غیرقابل دفاع است و اسرائیل خود هیچ ایده‌ای برای پایان دادن به آن ندارد، اما دولت در همان ابتدا متعهد شد که از رهبری اسرائیل پیروی کند؛ موضعی که با دیپلماسی موفق ناسازگار و مستلزم اعمال فشار است. بنابراین، ایالات متحده در دستیابی به آتش بس شکست نخورد؛ چون اساساً تلاشی نکرد!

منبع: Foreign policy

کشیده‌اند اما نزدیدی نیست بستن درها به روی مذاکره بی‌توجهی به امر واقع بیانیه بکارگیری این اهرم مهم دیپلماسی در مسیر تحقق منافع از دست رفته کشور است؛ امری که در برخی شرایط به عنوان یک ضرورت امنیتی برای خطرزدایی از وقوع یک رویداد پرتنش سیاسی در پیش گرفته می‌شود که گاه می‌تواند جلوی تصویب یک قطعنامه را بگیرد، یک اجماع بین‌المللی را به بن بسبب یکشانند، ائتلاف‌های نظامی را با رخوت و انفعال روبه‌رو سازد یا به عنوان یک اهرم راهبردی در جهت ایجاد تغییر و تحول در آرایش و اتحادهای منطقه‌ای و بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد. به این ترتیب می‌توان مذاکره را به عنوان الگویی پذیرفته شده در تمثیت امر بین‌المللی در آورد.

دوره متفاوت برای اروپا

توجه دولت چهاردهم به این مهم درشرایطی است که مجموعه رخدادهای مورد اشاره درعین اینکه تهدیداتی جدی را برای ایران پیش کشیده‌اما از منظر قراردادن آن در امریکا در ژانویه ۲۰۲۵ تا اقصای قطعه‌نامه ۲۳۳۱ و منصفه به‌برجام در اکتبر ۲۰۲۵ تنها ۱۰ ماه برای رسیدن به یک توافق جدید فرصت باقی است. این درحالی است که دستیابی به تفاهم جدیدی که در آن، همچنان بندهای غروب به نفع ایران منقضی شود، حائز اهمیت است؛ امری که نیازمند تثبیت و کدبندی اقدامات تدریجی، جامع‌ترو خاموشی است که به‌نظرمی‌رسد مقدمات اجرای آن با کاهش زمینه‌های اختلافی میان ایران و پایتخت‌های اروپایی در ژنو فراهم خواهد شد. حال آنکه نیاز متقابل اروپا به راهکارهای بن بست شکنانه و عبور از دغدغه‌های امنیتی‌اش در نسبت با ایران نیز فرصتی بی‌بدیل را برای مقام‌های ایرانی در آوردگاه دیپلماسی فراهم می‌کند بویژه که حالا باید به مجموعه نگرانی کشورهای قاره سبز آغاز دوره متفاوت دونالد ترامپ در امریکا را هم افزود که هدفگذاری‌های اولیة‌اش در زمین سیاست خارجی با سودایی که اروپایی در سر می‌پروارند، فرسنگ‌ها فاصله دارد.

اخبار

کمک مخفیانه بایدن به اوکراین

پالیتیکو نوشت: دولت «جو بایدن» تصمیم دارد بودجه‌ای معادل ۲۴ میلیارد دلار آن هم به‌صورت مخفیانه برای کمک به اوکراین اختصاص دهد، مبلغی که انتظار می‌رود قانونگذاران امریکایی در ماه دسامبر تصویب کنند. دو عضو کنگره این اطلاعات را تأیید کرده و افزودند که این درخواست روز دوشنبه دریافت شده است.

آن‌طور که در این گزارش آمده، از این میزان بودجه، دوسوم یا ۱۶ میلیارد دلار برای تکمیل ذخایر نظامی ایالات متحده و بقیه به ابتکار کمک امنیتی اوکراین اختصاص خواهد یافت.

«مارجوری نیلور کریس»، نماینده کنگره درخصوص این گزارش در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «امریکا پایان می‌یابد!!! نه تنها دولت بایدن/ هریس ۴۴میلیارد دلار دیگر به اوکراین می‌دهد، بلکه در حال بررسی دادن سلاح هسته‌ای به اوکراین است، آن هم در شرایطی که مردم در ایالات متحده بدون کمک «در رنج» هستند.

سخنگوی وزارت خارجه چین:

ادعای گروه ۷ علیه پکن مردود است

چین اتهامات مطرح‌شده از سوی گروه ۷ علیه پکن درخصوص تأمین سلاح در جنگ اوکراین و روسیه را رد کرد و خواستار احترام به حاکمیت ملی و پایان مداخله در امور داخلی این کشور شد.

آن‌طور که وزارت خارجه چین گزارش داده، مائو نینگ سخنگوی این وزارتخانه در واکنش به بیانیه اخیر گروه ۷، اظهار کرد: این گروه اگر واقعاً به دنبال روابط سازنده و باثبات با پکن و همکاری در مواجهه با چالش‌های جهانی است، باید اصول احترام متقابل و منافع برابر را در عمل اجرا کند.

سخنگوی وزارتخانه چین رویکرد دولتش در برابر مسأله اوکراین را بی‌طرفانه و منصفانه دانسته و گفت: پکن هیچ‌گونه تسلیحاتی به طرف‌های درگیر ارائه نکرده است و همکاری‌های تجاری و اقتصادی بین پکن و مسکو کاملاً قانونی بوده و نباید مورد مداخله یا فشار طرف‌های ثالث قرار گیرد.

مائو همچنین با اشاره به اینکه مواضع پکن درقبال مسائلی چون دریای شرقی- جنوبی چین، تایوان، شین‌جیانگ، تبت و هنگ‌کنگ همواره شفاف و ثابت بوده است، از گروه ۷ خواست تا از مداخله در امور داخلی این کشور دست بردارد و به اصول منشور سازمان ملل متحد و قواعد اساسی روابط بین‌الملل احترام بگذارد.



درخواست انگلیسی‌ها برای

برکناری نخست‌وزیر

میلیون‌ها انگلیسی‌با امضای یک طومار رسمی خواهان برگزاری انتخابات جدید و کناره‌گیری دولت نوکی‌کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر کشورشان شدند. این اعتراض در حالی انجام شده است که تنها چهار ماه از پیروزی «کی‌یر استارمر»، نخست‌وزیر انگلیس از حزب کارگر در انتخابات پارلمانی گذشته است و حالا میلیون‌ها بریتانیایی برای برگزاری انتخابات جدید درخواست داده‌اند و اکنون این پرسش مطرح است که شانس موفقیت این درخواست تا چه اندازه است؟ به نظر می‌رسد ناراضی‌ت زیادی از دولت فعلی و نوپا در بریتانیا وجود دارد. میلیون‌ها نفر در یک طومار رسمی خواهان کناره‌گیری دولت کی‌یر استارمر هستند. این در حالی است که وی تازه در ژوئیه سال جاری به قدرت رسیده است.

در متنی که در صفحه رسمی درخواست پارلمان بریتانیا یافت می‌شود، آمده است: من می‌خواهم دوباره انتخابات برگزار شود. به نظر من، دولت فعلی کارگر نتوانست به وعده‌هایی که در آستانه انتخابات گذشته داده بود، عمل کند. تا صبح روز سه‌شنبه، بیش از ۲٫۵ میلیون نفر این طومار را امضا کرده بودند. انگلیس حدود ۶۸ میلیون نفر جمعیت دارد.

مسکو: ایالات متحده به دنبال

تسلط برارمنستان است

سرویس امنیتی روسیه با ارسال بیانیه‌ای اظهار کرد: ایالات متحده امریکا از طرح‌های خود برای تحت‌سلطه درآوردن ارمنستان دست نمی‌کشد و به دنبال تحقق آن است که این اقدام پیامدهای منفی به دنبال دارد چرا که برنامه به اصطلاح دموکراتیزه‌سازی در ارمنستان با هدف تحت‌سلطه قرار دادن کامل این جمهوری است. این بیانیه می‌افزاید: سرویس اطلاعات خارجی روسیه با این حال، داده‌هایی در اختیار دارد که گویای آن است که ارمنستان متوجه آسیب‌هایی که از کاهش روابط سنتی با کشورهای منطقه نشأت می‌گیرد، شده است.

سپتامبر گذشته، نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان گفت این کشور در صورت مشاهده احتمالات لغتی برای پیوستن به اتحادیه اروپا، لحظه‌ای را از دست نخواهد داد. ماریا زاخاروا سخنگوی وزارت خارجه روسیه نیز در واکنش به این سخنان اظهار کرد: مسکو دلایل ژئوپلیتیکی را در تمایل اتحادیه اروپا برای دستیابی به جای پای در ارمنستان می‌بیند. آنها تلاش می‌کنند روسیه را از منطقه خارج و نقش تاریخی آن در تضمین امنیت را تضعیف کنند.



با اهداف

اعلامی

اسرائیل

که هرگز

نمی‌توان به

آن دست

یافت، جنگ

بی‌پایان

اجتناب‌ناپذیر

بود. از آنجا

که بایدن

استفاده از

اهرم فشار

مؤثر برای

وادار کردن

اسرائیل

به اتخاذ

یک هدف

واقع‌بینانه را

رد کرده بود،

مذاکرات

دیپلماتیک

اساساً کاری

محکوم به

شکست بود